

عزای اشرف

درباره شور و شعور حس

درباره امام حس
کمی که شأن و ش
من نوعی در ه
جملاتش را هر
عزاداری اش را

مریم شاه پسندی



دبیر
تحریریه

از نوجوانه، می خواهم درباره گفته های بی عمل صحبت کنم، درباره
بر سر و سینه می گویند. می خواهم از مکمل شور و شعور حسینی بگو

رشته وصل دوست

از من اگر بپرسید، می گویم امام حسین همان رشته ارتباطی است که
هر قدر هم دور بشوی و گناهکار، باز یکجا پیدایت می کند و نجات می دهد.
نه این که من این حرف را با عقل کج فهم خودم گفته باشم، بزرگ ترها گفته اند که
«حسین (ع) سفینه النجات» است.
آدم های بسیاری را دیده ام که امام حسین (ع)، یک قدم قبل از نابودی نجات شان داده
است. عشق به این مرد و خاندانش حتی اگر در سینه ات خاک بخورد، روزی روزگاری
مثل آتش زیر خاکستر شعله می کشد و تمام وجودت گرم می شود. شاید
بتوان گفت که این عشق، علاقه و احساسات یک جور همان
شور حسینی است. شور حسینی زاییده احساسات،
علاقی و هیجانات است و در کنار شور حسینی،
«شعور حسینی» قرار دارد. شعور
حسینی مبتنی بر شناخت،
آگاهی و دانایی است.



ادب ها

راستش برای نوشتن این بخش
که خودم را گول بزنم و قانع کنم که
بعضی مناطق، باشگاه های ورزشی و آرایشی
و مردان خودشان را زیبا می کنند تا در دسته
نمی خواهم منکر عشق کسی به امام حسین (ع)
دانشمند عاشق امام حسین (ع) باشند و به عشق
امام حسین (ع) منحصر به من و اطرافیان من نیست،
است که دوستش دارد اما مطمئناً هر چیزی آداب خاص
و احترام آن فضای غم آلود و پاک، نگه داشته شود. حرف
ندارد کس دیگری را به بهانه رعایت نکردن آداب عزاداری
حالا که حرف از دسته های عزاداری خالی از لطف نیست که
دسته ها پیام رسان عزای حسینی باشند و راوی محتوایی
به هرحال شاید پیری، مرضی، ناتوانی، جانباز اعصاب و

این چه نوحه و عزای ماست؟

چند سال قبل، جریانی از نوحه های بد ترکیب خوش آهنگ به راه افتاده
بود. بعضی از مداح های عزیز اما نا آگاه، بر اساس آهنگ های مطرح آن سال که ریتم های
خوبی داشتند، شعر امام حسینی می گفتند. می خواستند برای همراهی با نسل جدید، از همان
ریتمی استفاده کنند که قبلاً یک بار جوابش را پس داده بود اما نتیجه اصلاً زیبا نبود. نوحه ای که یادآور موزیکی
با محتوایی دیگر بود، به صورت قالبی شده بود که انگار کلمات و عزای امام حسینی را به زور در آن چپانده باشند و
ظرفیت موزیک، اندازه آن غم و غصه و محتوا نبود. چرا انتخاب می شد؟ چون صرفاً ریتم خوبی داشت و شور ایجاد می کرد.
بماند که در بعضی نوحه ها، کلمات هم سطح شان پایین می آید و وقار و ماندگاری نوحه های قدیمی را ندارند؛ گاهی آن قدر کلمات
دم دستی و محتوا نامناسب است که اگر نوحه را در جای دیگری بشنوی، خیال می کنی یک آهنگ عاشقانه غمگین برای عشقی دنیوی
است. داشتن شور حسینی در مراسم ابا عبا... خوب و پسندیده است اما قرار نیست این شور به هر ضرب و زوری ایجاد بشود و خدای ناکرده
تفاوتی میان شور حسینی با دیگر هیجانات نباشد. شور حسینی باید برگرفته از شعور حسینی باشد و برعکس.
در ادامه بیشتر در این باره حرف خواهیم زد.
عزا و دسته هایش... یک وقتی استادی حرف خوبی به من زد، او گفت: «زیبایی مهم است، گاهی اوقات آنچه باید برای
ما اهمیت داشته باشد نمایان کردن جمال در دین است.»

وقتی داشتم به این دو صفحه فکر می کردم، به یاد صحنه های دلخراش قمه زنی و چوب زنی در مناطق مختلف
افتادم؛ به یاد رود خونی که به راه می اندازند، آسیبی که مستقیماً به جسم خود وارد می کنند و لباس های
سفیدی که کاملاً سرخ می شوند. بحث حلال و حرامی یک امر نیست، من این قضاوت را می گذارم به مراجع
دینی و آدم هایی که خیلی بیشتر از من می دانند. من در جایگاه یک نوجوان می نشینم و نگاه می کنم.
آیا آن پیام عاشورا و آن شعور حسینی از چنین شوری، به من نوجوان می رسد؟ آیا آن ضربات خشن
و تصاویر دلخراشی که ساخته می شود، همان چیزی است که امام حسین (ع) برایش قیام کرد؟
همان کاری است که امام حسین (ع) می خواست به ما یاد بدهد؟

نمی دانم جواب این سوال ها در نظر شما چیست. صرفاً می خواهم بگویم که شور حسینی
سر جایش اما حواس مان باشد که دعوت به اسلام و انداختن عشق امام حسین (ع) در دل
جوان ترها را فدای شور حسینی نکنیم. به خصوص که در این روزهای آخر زمانی که نگه
داشتن دین مثل گذاشتن گدازه ای داغ در کف دست است.
هر چند این سبک از عزاداری ها در ایران کمتر از قبل است اما به هرحال،
جای صحبت دارد و خواهد داشت.

